

## پیشینه انتخابات در افغانستان

دین محمد جاوید\*

چکیده

در نوشته حاضر تلاش صورت گرفته است تا کارکردها و حقایق تاریخ انتخابات دقیق بیان گردد و مراحل مختلف انتخابات و موضع گیری‌های سیاسی دولت‌مردان این سرزمین به روشنی گفته شود؛ به همین دلیل، از آغاز شکل‌گیری انتخابات تا انتخابات ۱۳۹۳ به سه دوره قسمت شده و هر دوره با همان ویژگی خود به تصویر کشیده شده است و چگونگی انتخابات تقویم‌وار، بیان و پیشینه انتخابات به صورت فشرده در اختیار خوانندگان قرار داده شده است.

این نوشته از چالش در بین دولت و پارلمان و ناهمگونی‌های اعضای پارلمان بحث نموده است، تا تفاوت‌گزینش و انتخاب نمایندگان مشخص شود؛ هرچند در انتخاب نمایندگان بیش‌تر گرایش و رنگ قومی، بی‌اعتمادی ملی، کم‌رنگ‌بودن عقلانیت نقش داشته؛ روی هم رفته نتایج عمده و اصلی انتخابات بر مبنای سه عنصر قومی، مذهبی و سیاسی شکل گرفته، اثر اصلی را عنصر قومی داشته؛ به همین دلیل، یک روند سیاسی در پارلمان نقش بازی نمی‌تواند. کشمکش‌ها در پارلمان بیش‌تر به صورت شخصی، قومی و زبانی ظاهر می‌شود؛ چون اعضای پارلمان حامل افکار و تمایلات مختلف

\* نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه.

بوده که بخشی از این رو در رویی‌ها در این صورت اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: انتخابات، پیشینه، شورا، پارلمان.

## مقدمه

پس از سپری شدن دوران استبداد، جنگ‌های ویران‌گر و جهاد مقدس در این سرزمین، با تلاش فداکارانه فرزندان صادق این مرز و بوم، مردم افغانستان وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شدند و در سایه امنیت و همکاری بین‌المللی، زندگی نوی را آغاز کردند و در مسیر دموکراسی به صورت آرام گام برداشتند. یکی از پیش‌شرط‌های دموکراسی که انتخابات آزاد، سری و عادلانه می‌باشد، چندین انتخابات را پشت سر گذاشته‌اند که ثمره آن تأسیس حکومتی تا جایی فراگیر و همه‌شمول که در آن نمایندگان تمام اقشار و اقوام مختلف به اندازه شعاع وجودی خویش سهم دارند، پایه‌گذاری شد.

با شروع حکومت انتقالی، جنگ‌ها قطع گردید و نیروهای مسلح از سنگرها پایین شدند؛ از حاکمیت جدید حمایت نمودند و در جبهه دیگر مبارزه خویش را به صورت جدی آغاز کردند و در جهت تثبیت نظام سیاسی از طریق پروسه انتخابات لویه جرگه اضطراری، لویه جرگه تثبیت قانون اساسی و همین‌طور انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراهای ولایتی به میدان رقابت رفتند که امروز افغانستان دارای رئیس‌جمهور و نمایندگان منتخب از طرف مردم می‌باشد و از همین طریق مشارکت سیاسی به وجود آمده است.

مشارکت سیاسی، رأی‌دادن در انتخابات نیست؛ بلکه مشارکت سیاسی یک مردم این است که پس از رأی‌دادن، در تصمیم‌گیری حکومت شریک باشند و از طریق نمایندگان خود بدانند حکومت چگونه عمل می‌کند تا اعمال آن را نظاره نمایند؛ به همین دلیل، انتخابات در افکار عمومی اهمیت زیادی دارد و توده‌های مردم حرف اول را می‌زنند و هیچ جریان سیاسی و تشکیلات حزبی بدون مردم کاری از پیش برده نمی‌توانند؛ اگرچه تلاش می‌کنند در مبارزات انتخاباتی پیروز گردند؛ چون در نظام دموکراسی همه اقتدار سیاسی به مردم تعلق دارد و مردم است که نظام سیاسی خود را انتخاب می‌کنند و از آن نظام فرمان می‌برند؛ بنابراین، جا دارد که

انتخابات جهت پیش شرط بودن دموکراسی، پیشینه آن در این سرزمین بررسی گردد.

## تعریف انتخابات

انتخابات اصولی و صحیح به معنای واقعی کلمه، وقتی تحقق پیدا می‌کند که روشن سازیم از چه مقدمات، پیش‌زمینه و معیار، کاندیدان برخوردار باشند؛ به همین دلیل، انتخابات تعریف گردد: «انتخابات، عبارت است از جریان رسمی انتخاب اشخاص برای احراز مقام یا منصب و مسئولیتی در جامعه، از طریق آرای عمومی.»<sup>۱</sup> «انتخابات جریانی را گویند که در آن مردم با دادن رأی خود یک فرد و یا جمعیت مردم را برای مقام رسمی انتخاب می‌کنند.»<sup>۲</sup> «انتخابات وسیله‌ای است که مشارکت سیاسی همه اقشار مردم را در حکومت عملی می‌سازد... و فرصتی را فراهم می‌آورد که از طریق آن همه اقشار جامعه و گروه‌های اجتماعی، به نوعی در رقم‌زدن سرنوشت سیاسی خویش سهم می‌گیرند.»<sup>۳</sup>

از تعاریف فوق دانسته می‌شود که مردم فرمان‌روای خود را خود انتخاب می‌کنند و در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک، مردم حق دارند که اشخاص دل‌خواه خود را انتخاب نمایند؛ فرق نمی‌کند که وابسته به کدام زبان، ملیت، جنسیت، قوم، مذهب و موقف اجتماعی و سیاسی و... باشند؛ چون انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن، یکی از حقوق مدنی مردم است و مردمی که شرایط انتخابات را داشته باشند، می‌توانند در پروسه انتخابات شرکت نمایند و افراد دل‌خواه خود را تعیین نمایند و یا خود از طرف مردم تعیین گردد.

## انتخابات آزاد و عادلانه

در قانون انتخابات افغانستان آمده است: «اهداف این قانون عبارت است از تنظیم انتخابات آزاد، عمومی، سری، مستقیم، عادلانه و شفاف.» انتخاباتی که در قانون پیشنهاد شده است

۱. علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۰۹.

۲. مرکز تحقیقات اجتماعی، روند انتخابات لویه‌جرگه، جلد دوم، کابل، انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۱۳۸۳، ص ۱۳.

۳. همان مدرک، ص ۱۴.

برگزار گردد، حکومت و مدیریت سیاسی کشور را مسؤول و پاسخگو به مردم می‌سازد؛ چون دولت‌مردان می‌دانند که مردم او را در این مقام و قدرت برگزیده است و قدرت او از مردم سرچشمه گرفته است؛ از این رو، انتخابات عادلانه، نمایندگان مردم را وادار به کار و تلاش می‌سازد؛ چون نمایندگان مردم این را می‌دانند که اگر برای مردم خدمت نکنند، در دور دیگر رأی نصیب‌شان نمی‌گردد و از قدرت کنار زده می‌شوند و او جهت تصاحب قدرت، چاره‌ای جز خدمت به مردم ندارد.

انتخابات آزاد و عادلانه وسیله و زمینه‌ساز مشارکت مردم در قدرت است. مردم سرنوشت سیاسی خود را از طریق انتخابات تعیین می‌کنند؛ چون انتخابات برای مردم فرصتی را فراهم می‌کند تا خود سرنوشت سیاسی خود را تعیین نمایند و حکومت دل‌خواه خویش را به وجود آورند و در واقع مردم جمع گردیده برای خود رأی دهند و حکومت تعیین کنند تا کارهای قانونی، اجرایی و قضایی مردم را انجام دهد؛ در رقابت قدرت و تصاحب چوکی کسانی که می‌خواهند از طرف مردم انتخاب گردند و به خصوص کسانی که یک دوره نماینده مردم بوده، فعالیت‌های خویش را در معرض قضاوت مردم قرار دهند تا مردم بر آن‌ها دوباره اعتماد نمایند و با رأی خویش او را در چوکی قدرت بنشانند.

## انتخابات و انتقال قدرت

در کشورهای پیشرفته و دموکراتیک، از طریق انتخابات، انتقال قدرت صورت می‌گیرد و مردم نمایندگان خود را در پست‌های مختلف از راه انتخابات تعیین می‌کنند. در این نوع کشورها، جنگ، کودتا و جنبش انقلابی کم‌تر شکل می‌گیرد؛ احزاب و جامعه مدنی رشد می‌کنند و رقابت سالم در کشور پیش می‌آید؛ اقتدار و مشروعیت به کسانی داده می‌شود که به جای مردم از قدرت استفاده می‌کنند و قدرت مال مردم محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، انتخابات عزت و قدرت ملی را بالا می‌برد و انتخابات صحیح صورت گیرد، کشور از اعتبار و حیثیت بین‌المللی برخوردار می‌شود.

کاندیدانی که در یک نظام دموکراسی زندگی می‌کنند، در مبارزات انتخاباتی خود از نهادهای



اجتماعی، شخصیت‌های نخبه، افتخارات گذشته و نویدهای آینده استفاده نموده و مردم را در رقابت‌های انتخاباتی به میدان می‌کشند؛ چون «انتخابات راهی برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت است و بر این اساس ضمانتی برای صلح نیز هست. در کشوری که سرنوشت قدرت و حکومت را انتخابات تعیین می‌کند و تغییر حکومت از طریق رأی‌گیری صورت می‌گیرد، دیگر تغییر حکومت از طریق زور و خشونت، جنگ و درگیری ضرورت و توجیه خود را از دست می‌دهد»<sup>۱</sup>.

### پیشینه انتخابات

تحقیقاتی که صورت گرفته است، نشان می‌دهند که نظرخواهی و یا انتخابات به شکل ابتدایی و اولیه آن در بین قبایل مختلف در این سرزمین وجود داشته است؛ ولی انتخابات نظام‌مند و قانونی نبوده که در هر زمان و شرایط او را به عنوان یک قانون در محل اجرا گذارند و از آن روش پیروی نمایند و شخصی را انتخاب کرده در جایگاه رهبری قرار دهند. این را باید گفت که انتخابات به صورت مدرن در کشور ما از تحولات و دگرگونی منطقه و جهان سرچشمه گرفته است.

افکار جدید از طریق جنبش مشروطه‌گشون را **افرا گرفته** بود و یکی از اهداف این جنبش، تفکیک قوا و ایجاد پارلمان انتخابی در کشور بود و در این راه مبارزه نموده بودند؛ به همین جهت، جرگه پغمان در سال ۱۳۰۳ با جلوه‌های مفهوم انتخابات پیوند دارد و برای نخستین بار امان‌الله خان با نظریات تجددآمیز به ساختار حاکمیت می‌پردازد؛ تلاش می‌کند که برای انعقاد لویه‌جرگه، عده‌ای را برای شرکت در جرگه انتخاب نماید و برای حکام محلی امر می‌کند دسته‌ای از شخصیت‌ها را جهت عضویت به جرگه انتخاب نموده کابل روانه کنند. اعضای انتخابی وارد کابل شدند؛ لویه‌جرگه ۱۹ روزه ۱۳۰۳ خورشیدی در پغمان برگزار شد.

۱. روند انتخابات لویه‌جرگه، مرکز تحقیقات اجتماعی، مکان چاپ کابل، انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۱۳.

## اولین شورای ملی

نخستین بار امان‌الله خان در تاریخ ۲۴ سنبله ۱۲۹۹، دست به تشکیل مجلس قانون‌گذاری زد که هدف شاه این بود که کشور به پیشرفت نایل آید و شیوه حکومت‌داری در کشور تغییر نماید. در این ارتباط در دایره‌المعارف آریانا آمده است: «اولین شورای دولت در عصر امان‌الله خان دایر و در این شورا یک عده اشخاص مجرب از طریق اهالی پایتخت و ولایات، حکومت‌های اعلی و غیره انتخاب و به مرکز روانه می‌شدند، تا از خیر و شر توده نمایندگی نموده و در شئون مملکتی و نهضت‌هایی که به میان می‌آید، از این وکلا نیز مشوره گرفته و تصاویب به عمل می‌آمد.»<sup>۱</sup> با این‌که یک دسته از اعضای آن انتخابی بودند، با آن هم استقلال لازم و قابل‌شأن شورا را از خود نشان ندادند.

اعضای شورای دولت امانی در رابطه با «بررسی لایحه‌های قانونی، بررسی بودجه، تعدیل و تغییر قانون و بررسی معاهدات بین‌المللی مذاکره، مشوره و بحث می‌نمودند و بعد از آن به مجلس وزرا ارائه می‌کردند؛ چون بدون تصویب مجلس وزرا و امضای شاه جنبه اجرایی نمی‌یافتند.»<sup>۲</sup> شورای دولت حیثیت و اختیارات پارلمان را نداشت و با آن هم این بار اول بود که در این وطن به جای شاه، یک شورای دولتی تصمیم می‌گرفت و به جای حرف شاه، قانون تصویب و تطبیق می‌گردید.

قانون اساسی‌ای که در جرگه‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۳ تصویب گردید، در ماده‌های ۳۹ تا ۴۹ از ساختار و وظایف به نام شورای دولتی در مرکز کشور و شورای ولایتی در مرکز ولایات سخن به میان آورده بود که نیمی از اعضای شوراهای مذکور انتخابی و نیمی دیگر آن انتصابی بودند. صلاحیت‌هایی که در قانون اساسی امانی برای شورای دولت و شورای ولایات تعریف گردیده است، یک نکته را روشن می‌کند که هسته اولیه شورا توسط قانون اساسی امانی گذاشته شده است، که این قانون در لویه‌جرگه پغمان که در سال ۱۳۰۷ تحت ریاست امان‌الله خان انعقاد یافته بود، در رابطه با شورا این مباحث مطرح شد: تشکیل شورای منتخب ۱۵۰ عضوی

۱. دایره‌المعارف آریانا، بخش ش، چاپ کابل.

۲. محمدیاسین نسیمی، روابط پارلمان با حکومت‌های افغانستان در دهه دموکراسی، کابل، ۱۳۸۵، ص ۱۴.

از وکلای انتخابی و حتی المقدور باسواد، تبدیل نام شورای دولت به شورای ملی، فعالیت شورا در چارچوب قانون جداگانه انتخابات شورای ملی و همین طور اعضای شورای ملی از سوی مردم به گونه‌ای مستقیم برای یک دوره سه ساله انتخاب شوند.

«امان‌الله خان در همین جرگه پیشنهاد کرد که جرگه، اعضای شورای ملی را از بین خود برگزینند. اعضای جرگه پیشنهاد امان‌الله خان را نپذیرفتند و پیشنهاد شاه را به این صورت رد کردند، که اعضای جرگه را باید مردم به صورت آزاد انتخاب نمایند.»<sup>۱</sup> بعد از ختم جرگه، اختلافاتی که در کشور مطرح شد، زمینه برگزاری انتخابات به وجود نیامد و در دوره امانی آنچه که به عنوان شورا وجود داشت، همان شورای دولت بود که برای چند سالی فعالیت کرد.

برای اولین بار، اصطلاح «شورای ملی» در زمان امان‌الله وضع، تصویب و به کار گرفته شد. آقای فیض‌زاد چنین روایت کرده است: «در جلسه اول چنین فیصله به عمل آمد: شورای دولت به شورای ملی که توسط ملت آزادانه انتخاب شود، عوض گردد.»<sup>۲</sup> مرحوم غبار جزئیات بیشتری از مصوبه مذکور ارائه می‌دهد: «در جرگه کبیر هزار نفری پغمان در سال ۱۳۰۷ شمسی، فیصله گردیده بود که یک شورای ملی یک‌صد و پنجاه نفری از وکلای انتخابی و حتی المقدور با سواد افغانستان تأسیس گردد و وکلای این جرگه نمی‌توانند خود به حیث وکیل در شورای جدید داخل شوند. در همین سال آتش اغتشاش سقوی در مملکت دامن زده شد و دولت امانیه سقوط کرد؛ لهذا مصوبات این جرگه معوق ماند.»<sup>۳</sup>

## اولین دور انتخابات شورای ملی

با سرنگونی حکومت امان‌الله در ۲۴ جدی ۱۳۰۷ توسط حبیب‌الله کلکانی، کلیه طرح‌های اصلاحی او از جمله تشکیل شورای ملی عقیم ماند. آنگاه که نادر خان در سال ۱۳۰۸ با اعدام کلکانی و برچیدن حکومت نه ماهه او به قدرت رسید، طرح تشکیل شورای ملی را دنبال کرد. وی «در فقره نهم از ابلاغیه ده فقره‌ای خود با عنوان «خط مشی دولت» تشکیل شورای ملی

۱. محمدیاسین نسیمی، همان مدرک، ص ۱۶.

۲. محمدعلم فیض‌زاده، جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان، پشاور، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷.

۳. غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، آمریکا، جون ۱۹۹۹، چاپ اول، ص ۱۰۴.

را وعده داد.<sup>۱</sup> و «در صدد» تأسیس شورا برآمد؛ اما به ترتیبی که قید سواد را از وکیل منتخب برداشت و سند انتخاب، وثیقه شرعی را قرار داد؛ یعنی رأی سری و صندوق آرا و تعدد کاندید را معتبر نشمرد، پس هر خان و یا ملا و متنفذی که دولت آن را می‌خواست، در محل انتخاب، یک عده اشخاصی را در محکمه شرعی حاضر کرده، از اقرار علنی آن‌ها خودش را وکیل منتخب می‌ساخت و وثیقه شرعی حاصل می‌نمود. معهداً تعداد این وکلا (۱۱۱ نفر) و آن هم با تبعیض منطقه‌ای بود؛ مثلاً تعداد وکلای ولایت قندهار ۱۶ نفر، از ولایت هرات ۱۲ نفر و از ولایت بزرگ مزار شریف ۱۰ نفر تعیین شده بود و هم‌چنین از سایر مناطق کشور؛ در حالی که تعداد تخمینی نفوس این مناطق هم در نظر گرفته نشده بود. با وجود چنین شرایطی، رئیس شورای نام‌نهاد، علناً از طرف شاه منصوب و بر وکلا تحمیل گردید.<sup>۲</sup> و زمینه اعمال قدرت سری شورا آماده شد.

«نادر شاه بعد از تشکیل جرگه ۳۰۱ نفری کابل (ستمبر ۱۹۳۰)، اعضای شورای ملی را نیز از بین وکلای جرگه انتخاب و در سنبله سال (۱۳۰۹) شورا را افتتاح نمود» و عبدالاحد ماهیار نماینده وردک در لویه‌جرگه از جانب شاه به ریاست شورای ملی منصوب شد و تا آخر عمرش هم‌چنان در مقام ریاست شورای ملی به فعالیت خویش ادامه داد «این دوره در اصل یک دوره امتحانی و ابتدای پارلمان بود؛ گویا اساس و تهداب قوای تقنینیه را در حیات سیاسی و اجتماعی مردم می‌گذاشت.»<sup>۳</sup> قانون اساسی ۱۳۱۰ به شورای ملی اختیاراتی در زمینه‌های قانون‌گذاری و تصویب بودجه، نظارت روی دولت و فراخواندن وزیران برای ارائه توضیحات را داد. همه این مطالب یک «نمایش قانون» بود و شورای ملی به هیچ صورت از این اختیارات استفاده نتوانست؛ چون اعضای شورا همه خود را مدیون شاه می‌دانستند؛ به همین دلیل، اختیارات چندانی از خود نداشتند و عمدتاً موضوعات بحث‌های مجلس را پیشنهادهای دولت تشکیل می‌داد و وکلا حق نداشتند که خلاف نظر دولت اظهار نظر نمایند «نظر وکلا عین نظر دولت و نظر دولت عین نظر

۱. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، تهران، ۱۳۸۵، ص ۶۰۵.

۲. غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، امریکن سپیدی هرندی، ویرجینیا، جون ۱۹۹۹، ص ۱۰۴.

۳. عبدالله مهربان، تاریخ جرگه‌های ملی، چاپ افغانستان، کابل، مطبوعه دولتی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۶.

و کلا بود.<sup>۱</sup> نشست‌ها، اظهار نظر، بلکه حق حرف گفتن را و کلا نداشتند و «تنها حق حرف زدن را وقتی یک وکیل داشت که رئیس مجلس از او در مورد موضوع مطرح شده چیزی می‌پرسید؛ آن هم مشروط به شروط وقتی که منع می‌کرد، وکیل مانند یک متعلم که درسش را باز گو می‌کند، از جای خود برخاسته و پس از تعظیم و احترام، رئیس را مخاطب قرار می‌داد و چند کلمه مختصر بی‌ربط به اصل موضوع که خیلی هم ارتباط نداشت، بی‌پیرایه و عامیانه می‌گفت و به اجازه رئیس پس به جای خود می‌نشست»<sup>۲</sup> و با این متن تاریخی دانسته می‌شود که کشور با سر نیزه اداره می‌شده است، نه با فکر و اندیشه!

## دومین دور انتخابات شورای ملی

پس از تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۱۰، نادر خان ابتدا اعضای مشرانو جرگه را از میان خوانین، روحانیون و سران قبایل تشکیل داد. «این مجلس دارای ۲۷ نفر عضو انتصابی بود که از طرف شخص شاه، اشراف و روحانی و ملا انتصاب می‌گردید؛ لویح پیشنهادی دولت بعد از تصویب این مجلس، به شورا فرستاده می‌شد و مصوبات شورا را مجلس اعیان می‌توانست رد کند. در اختلاف آرای شورا و اعیان هم، حکم شخص شاه بود؛ یعنی مجلس اعیان برای خنثی‌نگهداشتن شورای نام‌نهاد به وجود آمد.»<sup>۳</sup> دنبال آن در سال ۱۳۱۳ اولین انتخابات برای تشکیل دومین دور شورای ملی بر اساس قانون اساسی جدید برگزار گردید و دوره دوم کاری خود را از ۱۸ سنبله سال ۱۳۱۳ شروع کرد و چنان‌که در اصول‌نامه اساسی جدید شرط داشتن سواد برای نامزدها و نیز آزاد و سری بودن، کتبی و رقابتی بودن انتخابات در نظر گرفته نشده بود؛ لذا انتخابات به صورت شفایی، علنی و بدون تعدد نامزدها، تحت نظر حکام، با دخالت و هدایت مستقیم دولت از مرکز برگزار گردید. فرهنگ در این رابطه چنین می‌نگارد: «طبعاً بخشی بزرگی از اعضای این مجلس را بلی‌گویان حکومت تشکیل می‌داد، که به صواب‌دید حاکم محلی و صحنه ضبط احوالات به کابل فرستاده شدند.»<sup>۴</sup> به تأیید فرهنگ، آقای غبار چنین

۱. محمدحسین صابر هروی، آینه شوری، ج ۱، کابل، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

۲. همان مدرک، ص ۱۵.

۳. غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، امریکن سپیدی هرندی، ویرجینیا، جون ۱۹۹۹، ص ۱۰۵.

۴. میر محمدصديق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۵.



فرموده است: «هر خان و یا ملای متنفذ که دولت آن را می‌خواست، در محل انتخاب، یک عده اشخاصی را در محکمه شرعیه حاضر کرده و از اقرار علنی آن‌ها خودش را وکیل می‌ساخت و وثیقه شرعی حاصل می‌نمود.»<sup>۱</sup> در این انتخابات ۱۱۱ نفر به پارلمان راه یافتند، که با ۲۷ عضو انتصابی مشرانو جرگه، مجموع شورای ملی افغانستان ۱۳۸ نفر رسید. با دخالت‌های دولت باز هم تعداد انگشت‌شماری افراد غیر دولتی به شورای ملی راه یافتند. وقتی نادر خان متوجه شد، به آن‌ها مجال عرض اندام نداد. در این رابطه فرهنگ می‌فرماید: «چون مقامات مذکور هنوز کاملاً بر اوضاع در اطراف و اکناف مملکت مسلط نبودند، تعداد محدودی از اشخاص دارای فکر و رأی مستقل نیز به مجلس راه یافتند. اینان (اشخاصی که از اول انتخاب شده بودند) سعی کردند که به رهبری عبدالعزیز خان، وکیل قندهار، که از روشنفکران آن شهر بود، هسته گروه مستقل و مخالف دولت را در شورا پی ریزی کنند؛ اما نادر شاه به ایشان مجال نداد، عبدالعزیز خان را قهراً از مجلس اخراج نمود و سایرین را با تهدید از مخالفت باز داشت.» عبدالعزیز خان ۱۳ سال در حبس و شکنجه به سر برد و بینایی خود را در زندان از دست داد. دومین انتخابات و سومین شورای ملی افغانستان به ترتیب و تفصیل یاد شده پایان یافت. همان طوری که گفته شد، نادر خان صدای مخالف خود را در گلو خفه می‌کرد و نمی‌گذاشت که صاحب صدا زنده باشد و صدها نفر آزاده را از بین برد.

### سومین دور انتخابات شورای ملی

در زمان نادر خان، انتخابات ساده و ابتدایی بود؛ هنگامی که موعود و زمان شورا پایان می‌رسید، حکومت برای گزینش نمایندگان مردم در شورا، موضوع انتخابات را از مرکز به نایب‌الحکومه‌ها اطلاع می‌داد و آن‌ها افرادی که نماینده مردم به شورا بیاید، به مرکز معرفی می‌کرد. بعد از تأیید مرکز به تدویر انتخابات می‌پرداخت (آنگاه عده‌ای محدودی از بزرگان منطقه در محلی گرد می‌آمدند؛ سپس حاکم یا قاضی محل که قبلاً با کاندید و یا کاندیدان مورد نظر ملاقات کرده و موضوع را به اطلاع‌شان رسانیده بود، پیرامون شخصیت و منش آن‌ها

۱. غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، امریکن سپیدی هرندی، ویرجینیا، جون ۱۹۹۹، ص ۲۴۰.



سخن گفته از اهل همایش تقاضا می‌کردند تا با بلندکردن دست، به کاندید مورد نظر رأی دهند. تشریفات مربوط به انتخابات در اندک زمان به پایان می‌رسید. وثیقهٔ مربوط به معرفی نماینده توسط محکمه تهیه و نمایندهٔ مذکور به خاطر اشتراک در لویه‌جرگه و یا پارلمان عازم مرکز می‌گردید.

بعد از ختم انتخابات دورهٔ سوم، که وکلا از هر حوزهٔ انتخاباتی تعیین گردیدند، «قبل از برج جوزا دسته‌دسته به مرکز حاضر شدند و شورای ملی با نطق شاه روز پنج‌شنبه، ۱۷ جوزای ۱۳۱۶ در عمارت سلام‌خانه ارگ شاهی مقر شورای ملی افتتاح گردید.»<sup>۱</sup> هیأت اداری دورهٔ سوم شورای ملی از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۱۸ رئیس عبدالاحد خان؛ نائب اول سید محمدیونس خان؛ نائب دوم سید محمد خان؛ منشی اول عبداللطیف خان؛ منشی دوم عبدالباقی خان بودند.<sup>۲</sup> که در این دوره، همانند دوره‌های قبل، کار صورت نگرفته بود و در واقع خاندان شاهی نمایندگان مردم را نمی‌گذاشتند کار نمایند و از پارلمان فقط اطاعت می‌خواستند.

### چهارمین دور انتخابات شورای ملی

همان‌طور که گفته شد، نمایندگان مردم را بعد از ختم دورهٔ شورا، نایب‌الحکومه‌ها انتخاب کرده به مرکز روانه می‌کردند. وقتی که نمایندگان مردم انتخابات را پشت سر گذاشته وارد مرکز گردیدند، شورای دورهٔ چهارم کار خود را از «تاریخ ۲۰<sup>۱۳۱۹</sup> ثور ۱۳۱۹ تا ثور ۱۳۲۲ شروع کرد. در این دوره، هیأت اداری شورای ملی رئیس عبدالاحد خان؛ نائب اول محمدالیاس خان؛ نائب دوم سلطان‌احمد خان؛ منشی اول عبداللطیف خان و منشی دوم عبدالباقی خان بودند.»<sup>۳</sup> در این دوره شورا، همانند دوره‌های قبل، در خدمت حکومت و خاندان شاهی بود و از خود هیچ‌گونه اختیار نداشت و در واقع تفکیک قوا به آن شکل صحیح به وجود نیامده بود و حکومت هرگونه عملی که می‌کرد، شورا او را تأیید می‌نمود و در مقابل ارادهٔ دولت نمی‌ایستاد و در واقع ایستاد شده نمی‌توانست و خودشان را مدیون خاندان شاهی می‌دانستند و از خودشان اراده نداشتند.

۱. محمدمحسن صابر هروی؛ آیین شورا، جلد اول، کابل، ۱۳۸۶، ص ۵۳.

۲. همان مدرک، گرفته شده از سال‌نامهٔ کابل، ص ۵۴.

۳. همان مدرک، ص ۶۱.

## پنجمین دور انتخابات شورای ملی

با همه دخالت‌های حکومت‌های محلی در انتخابات، شاه نیز دخالت می‌کرد و در تعیینات مهم نقش اصلی را داشت و بسیاری از فیصله‌ها، پیشنهادات و انتخابات اعضای شورا را بایست تأیید و یا رد می‌نمود. از جانب دیگر، جای تردید وجود ندارد که در انتخابات لزوم دیده‌های دولت و حاکمان محلی نقش داشتند. ناآگاهی آمران پیشین پسمانی را بر جامعه تحمیل نموده بودند که در انتخابات به روشنی دیده می‌شد؛ به خصوص در دوران صدارت هاشم خان انتخابات به همان روندی قبلی شروع شد؛ حکومت‌های محلی اعضای شورا را به صورت عنعنوی انتخاب نموده مرکز روانه نمودند. وقتی که نمایندگان وارد مرکز شدند، بعد از کارهای مقدماتی؛ از قبیل انتخاب اعضای اداری و تشکیل کمیسیون‌ها، شورای ملی «از تاریخ اول اسد ۱۳۲۴ آغاز به کار نمودند که هیأت اداری رئیس عبدالاحد خان؛ نائب اول جلال‌الدین خان؛ نائب دوم سید ابوالخیر خان؛ منشی اول عبداللطیف خان؛ منشی دوم محمدانور خان بودند.»<sup>۱</sup> و باید گفت که شورای ملی در پنج دوره گذشته به همان شیوه و ترتیب یک‌نواختی ادامه داشت و هیچ‌گونه تحولی در روند زندگی مردم رونما نگردید و شورا طرح و برنامه نداشت؛ فقط کاری که انجام می‌داد، حکومت را تأیید می‌کرد و به صورت نمایشی در کنار قوه مجریه قرار داشت.

## ششمین دور انتخابات شورای ملی

انتخابات با همان روندی عنعنوی تا زمان برکناری هاشم خان ادامه داشت و نمایندگان را حکام محلی انتخاب کرده به مرکز روانه می‌کردند و بعد از کارهای مقدماتی، شورا توسط شاه افتتاح می‌گردید و به کار خود شروع می‌کرد. باید گفت: شورای ملی در دوره ششم یک سلسله کارهایی را انجام داد و تغییراتی در شورا رونما گردید؛ از جمله هیأت اداری تکراری و تحمیلی عوض شد و در این دوره، رئیس سلطان‌احمد خان؛ نائب اول محمدعزیز خان؛ نائب دوم سید عمر خان؛ منشی اول عبداللطیف خان و منشی دوم حافظ محمدانور خان بودند و هم‌چنان در این دوره «یک سلسله کارهای تقنینی صورت گرفت که نسبت به دوره قبل چشم‌گیرتر بود که

۱. محمد محسن صابر هروی، آئینه شورا، جلد اول، کابل، ۱۳۸۶، ص ۶۱.

از جمله می‌توان تبدیل علاقه‌داری‌ها به حکومت درجه دو، تعدیل مواد اصول‌نامه مامورین و متقاعدین، موضوع تبدیل نوت‌های مندرس<sup>۱</sup> و دیگر مسائل از کارکرد شورا بود.

## هفتمین دور انتخابات شورای ملی

انتخابات هفتمین دور شورای ملی در فضای باز سیاسی، دور از دخالت دولت، در زمستان ۱۳۲۷ برگزار گردید. ۱۷۱ نفر به عنوان وکیل به شمول ۲۷ عضو انتصابی مشرانو جرگه وارد شورای ملی شدند و این شورا در دهم سرطان ۱۳۲۸ با نطق ظاهر شاه افتتاح گردید. اگر چه دولت تلاش نموده بود تا اشخاص مورد نظر خود را وارد پارلمان کند؛ ولی مردم نمایندگان خود را انتخاب نمودند.

هاشم خان در سال ۱۳۲۵، پس از ۱۷ سال حکومت، از پست صدارت کنار رفت و برادرش شاه محمود در جای وی صدراعظم گردید. وی تلاش نمود که آزادی و دموکراسی در افغانستان بیاید؛ به همین دلیل، از طرف دربار شاهی پدر دموکراسی لقب گرفت. در دوره هشت ساله صدارت او، افغانستان شاهد تحولات بسیاری در عرصه‌هایی مانند احزاب، قانون‌گذاری، آزادی بیان، روابط دولت و ملت، آزادی زندانیان سیاسی و براندازی سلطه انحصاری زبان پشتو از معارف و ادارات و انتخابات آزاد شورای ملی از اقدامات او<sup>۱</sup> بود؛ به همین دلیل، شورای ملی هفتم در دوره سه ساله قانون‌گذاری خود، قوانین بسیاری را به تصویب رسانید و در چارچوب اختیارات خود بر عملکرد دولت نظارت نمود. از جمله مصوبات آن، «قانون مطبوعات» بود که به جراید غیر دولتی اجازه انتشار و آزادی محدود می‌داد. در پرتو قانون مذکور، نشریات آزاد و غیر دولتی «انگار»، «فدای»، «خلق»، «وطن»، «نیلاب»، «ولس» و «آینه» در کابل و نشریه «اتوم» در میمنه آغاز به نشر کردند.<sup>۲</sup> اغلب این نشریات در حقیقت ارگان برخی از جمعیت‌های سیاسی و حلقات روشنفکری بودند که هسته‌های اولیه احزاب سیاسی را تشکیل می‌دادند.

بدین ترتیب، همزمان با فعالیت جراید مذکور، تعدادی حزب و تجمع سیاسی - مدنی

۱. محمد محسن صابر هروی، همان مدرک، ص ۱۴۷.

۲. غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، تهران، ۱۳۹۰، ص ۶۶۳.

نیز وارد کاروزار شدند؛ مانند حزب وطن (روشنفکران مشروطه‌خواه)، حزب دموکرات ملی (متشکل از تکنوکرات‌ها و سرمایه‌داران محافظه‌کار و طرفدار سلطنت)، ویش زلمیان (متشکل از ملی‌گرایان پشتون)، حزب خلق (به رهبری محمودی با گرایش چپ)، حزب سَری اتحاد (منسوب به بلخی، ابراهیم خان گاوسوار و خواجه نعیم خان)، اتحادیهٔ محصلین کابل و سایر تشکل‌ها.<sup>۱</sup>

تصویب قانون جدید انتخابات با محتوا و رویکرد نسبتاً دموکراتیک، اصول‌نامهٔ جدید و وظایف داخلی شورا (آیین‌نامهٔ داخلی)، منع بیکاری (کار اجباری و بدون مزد مردم برای دولت)، منع خریداری اجباری غله از زارعان و زمین‌داران توسط دولت، لغو مالیات از مواشی (حیوانات) شمارش‌نشده و ممنوعیت اخذ هرگونه مالیات خارج از قانون؛ از جمله دستاوردهای قابل ملاحظهٔ شورای ملی هفتم بود.<sup>۲</sup> از بدعت‌ها و ابتکارات برخی از وکلای دورهٔ هفتم، نحوهٔ ادای سوگند وفاداری آن‌ها در مراسم تحلیف نمایندگی بود. در حالی که، طبق معمول، نمایندگان باید سوگند وفاداری در برابر ملت، شاه و حکومت یاد می‌کردند، وکلای روشنفکر و اصلاح‌طلب تنها در برابر ملت و مملکت سوگند وفاداری به جای آوردند.<sup>۳</sup>

«با همهٔ این اوصاف، سایهٔ ستم ملی و نابرابری‌هایی مبتنی بر تبار، مذهب و جنسیت هم‌چنان بر روند انتخابات شورای مذکور سنگینی می‌کرد. از مجموع ۱۷۱ عضو شورای ملی، تنها ۱۲ نفر از هزاره‌های شیعه‌مذهب و فارسی‌زبان بودند.»<sup>۴</sup> هم‌چنین در انتخابات این دوره و دوره‌های قبل، نه‌تنها هیچ زنی به شورا راه نیافت، که حتی زنان از نامزدشدن و حق رأی نیز محروم بودند. با همهٔ نواقص، موانع و محدودیت‌ها، دورهٔ هفتم شورا و انتخابات آن، نقطهٔ عطفی در حرکت مردم و روشنفکران افغانستان به سوی آزادی، مردم‌سالاری، مشروطیت و حاکمیت قانون به حساب می‌آید. در این دورهٔ کوتاه، گام‌های کوتاه اما مؤثر و سودمند به سوی ارزش‌ها و الگوهای عصری و نوین برداشته شد.

۱. غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، امریکن سپیدی هرندی، ویرجینیا، ص ۲۳۸.

۲. همان مدرک، ص ۲۶۳.

۳. همان مدرک، ص ۲۶۲.

۴. حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره‌جات، ایران، مرکز نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۹، ص ۳۶.

## هشتمین دور انتخابات شورای ملی

دوره هشتم که به پایان رسید، حاکمیت و به اصطلاح پدر دموکراسی، شاه محمود خان، تغییر رویه دادند و دیگر نگذاشتند که انتخابات آزاد برگزار شود و روشنفکران و شخصیت‌های وطن‌دوست در پارلمان راه یابند و این‌ها تلاش نمودند که بار دیگر فضای استبداد و سرکوب را احیا کنند. مطبوعات مستقل و غیر دولتی بدون محاکمه و اعلام اتهام، تعطیل شدند و آزادی‌خواهان و کادر رهبری احزاب به دلایل نامعلوم توقیف و زندانی گشتند. انتخابات کتبی و سری ملغی اعلام گردید. انتخابات هشتمین دوره شورای ملی، همانند دوره‌های پیشینه، صورت علنی، شفاهی و عامیانه با دخالت مستقیم دولت برگزار گردید. در کابل نمایندگان نامدار دوره هفتم، غبار و محمودی، به اتهام دست‌داشتن با بیگانگان زندانی شدند. انتخابات دوره هشتم چنان ارتجاعی و قبیلولی بود که حتی پدر دموکراسی تحمل نتوانست و استعفا نمود و سردار داود خان جایش را تصاحب و از آن پس هر انتخاباتی با دخالت مستقیم دولت برگزار گردید و شوراهای تشریفاتی و مطیع حاکمیت به وجود آمد که می‌توان این شوراها را مقایسه کوچکی با شورای هفتم نمود. از کابل عبدالرحمان محمودی با چهارده‌هزار رأی و غلام‌محمد غبار با سیزده‌هزار رأی، نماینده شورای هفتم شدند و آن‌هایی که در این شورا راه پیدا نکرده بودند، از شش‌هزار الی چهارده‌هزار رأی کم‌تر نیاورده بودند؛ ولی در شورای هشتم آن‌هایی که راه پیدا کرده بودند، داکتر فقیرمحمد ثنا و داکتر اسماعیل علم با هشت صد رأی به عنوان وکلای کابل در شورای هشتم انتخاب شدند. در دوره‌های هشتم تا یازدهم، وکلای شهر کابل از هشت صد رأی بالا نیاورده بودند و مردم در رأی‌گیری شرکت نکرده بودند و می‌دانستند رأی‌شان تأثیر ندارد. اما فضای نسبتاً باز سیاسی که با مجلس هفتم آغاز شده بود، دیری دوام نیاورد؛ گروهی از محافظه‌کاران در داخل و بیرون از خانواده سلطنتی، آزادی‌های موجود در کشور را محدود ساختند؛ فضایی را به وجود آوردند که خود شاه محمود خان دموکراسی‌ای را که آورده بود، پس گرفت. دولت در پی اعمال این محدودیت‌ها، ۳۱ سنبله ۱۳۳۱ را برای برگزاری انتخابات مجلس هشتم تعیین کرد؛ اما این انتخابات «با مداخله صریح» دولت برگزار شد.



غبار، عضو مجلس هفتم و نامزد انتخابات مجلس هشتم، نوشته است: «در آن روز سربازان سواره ارتش و پلیس در خیابان‌ها به گشت‌زنی پرداختند و ناظران انتخاباتی نامزدهایی مانند خود او، عبدالرحمان محمودی و عبدالحکیم شاه‌عالمی را از مراکز رأی‌گیری «بیرون راندند». به نوشته غبار، با این وضعیت، «هزاران شهروند» کابلی دست به تظاهرات زدند؛ اما دولت شاه محمود آن‌ها را «سرکوب» کرد. با آن هم شاه محمود خان مردم را آرام نتوانست؛ در سال ۱۳۳۲ استعفا کرد و نخست‌وزیری ده ساله محمدداود خان آغاز شد که همزمان بود با کار مجلس هشتم تا یازدهم. محمدداود روش‌های سخت‌گیرانه‌ای را در پیش گرفت و تلاش کرد که سیاست‌های دولت را با مصوبات مجلس مشروعیت ببخشد.<sup>۱</sup> «حمایت از آزادی مناطق پشتونشین پاکستان»، به نوشته فرهنگ، «دولت داود خان با عنوان‌کردن آن به قدرت رسیده بود، از مهم‌ترین موضوع‌های مورد بحث مجلس هشتم بود. داود خان روز چهارم میزان ۱۳۳۲ در مجلس، «پشتونستان» را از «نوامیس افغانستان» خواند و بر حمایت از «آزادی» آن تأکید کرد.<sup>۲</sup>

### نهمین دور انتخابات شورای ملی

دوره نهم از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۳۶ می‌باشد. گزینش اعضای مجلس‌های نهم تا یازدهم مانند دوره‌های پیش، از مجلس هفتم با «مداخله» دولت صورت می‌گرفت. «بعد از آن‌که سردار محمدداود خان به قدرت رسید، آزادی‌های اساسی و دموکراتیک متوقف شد.»

از موضوع‌های عمده مورد بحث مجلس در این دوره «پشتونستان» بود. مجلس نهم (۳۶- ۱۳۳۴) برای نخستین بار به صورت رسمی در ۲۳ میزان ۱۳۳۴ در نشست مشترک با مجلس اعیان، در حضور داود خان و اعضای کابینه او، از سیاست نخست‌وزیر در این مورد «حمایت کامل» کرد.

تصویب برنامه پنج ساله اول دولت داود خان (۱۳۳۵) از دیگر کارهای مجلس نهم است که بر اساس آن، کارهای نسبتاً مهمی در زمینه راه‌سازی، کشاورزی و ساختن کارخانه‌های تولیدی

۱. غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، امریکن سپیدی هرندی، ویرجینیا، ۱۹۹۹، ص ۱۲۰.

۲. میر محمدصديق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰.



## دهمین دور انتخابات شورای ملی

دوره دهم شورا از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۳۹ است. مجلس دهم تغییراتی در اصول و وظایف داخلی مجلس وارد کرد و دهها قانون، از جمله قانونهای تجارت، شهرداریها، دادگاهها و منع کشت خشخاش را تصویب کرد. تصویب قرارداد انتقال کالاهای بازرگانی میان افغانستان و پاکستان، از دیگر کارهای این مجلس است. این مجلس چند قرارداد دیگر هم در زمینه روابط خارجی افغانستان تصویب کرد.

## یازدهمین دور انتخابات شورای ملی

دوره یازدهم از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۲ است. مجلس یازدهم چند قرارداد همکاری میان افغانستان و کشورهای مختلف را تصویب کرد و تصویب برنامه پنج ساله دوم هم از کارهای این مجلس بود. ریاست مجلس یازدهم با عبدالظاهر بود و او روابط پارلمانی افغانستان را با برخی کشورها تأمین کرد. در این دوره بود که هیأت‌هایی از مجلس افغانستان به برخی از کشورها سفر کردند و هم‌چنین این مجلس میزبان چند هیأت پارلمانی و مقام‌های بلندپایه خارجی بود. یکی از مهم‌ترین مقام‌های خارجی که در مجلس یازدهم سخنرانی کرد، محمدرضا، شاهنشاه ایران، بود.

در پایان دوره کاری مجلس یازدهم بود که محمدداود خان استعفا کرد و محمداظهر شاه، دکتر محمدیوسف را مأمور تشکیل کابینه دولت انتقالی کرد. شاه دوره کاری مجلس یازدهم را یک سال تمدید و کمیسیون ویژه‌ای را مأمور تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید کرد. با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۱۳۴۳، نظام پارلمانی در کشور به میان آمد و انتخابات نخستین پارلمان منتخب افغانستان در سال ۱۳۴۴ برگزار شد.

۱. میر محمدصدیق فرهنگ، همان مدرک، ص ۲۰۴.

## دوازدهمین دور انتخابات شورای ملی

ده سال اخیر سلطنت محمدظاهر شاه، که از سال ۱۳۴۲ با برکناری سردار داود آغاز می‌شود و در سال ۱۳۵۲ با کودتای داود خان نظام سلطنتی پایان می‌یابد و این دهه در ادبیات سیاسی افغانستان به نام‌های دهه قانون اساسی، دهه مشروطیت و دهه دموکراسی یاد می‌شود، در این دهه پربار و ماندگار، روشنفکران و ملت افغانستان گام‌های مثبت و بلند و مترقی به سوی دموکراسی برداشته‌اند. قانون اساسی جدید، قانون انتخابات، قانون مطبوعات و قوانین دیگر تصویب، اصلاح و یا تعدیل گردیده است. انتخابات شورای ملی و انتخابات شاروالی‌ها برگزار گردید. برای اولین بار پست صدارت عظمی از انحصار خاندان شاهی بیرون آمد و در این دوره ده ساله، پنج صدراعظم تحصیل کرده و کاردان با رأی نمایندگان ملت روی کار آمدند که بیان‌گر شایسته‌سالاری در سطوح کشور دیده می‌شود. باید گفت مطبوعات مستقل، نهادهای مدنی و احزاب در این دهه رشد و نمو کردند. تقسیمات جدید کشوری، تعدیل و اصلاح واحدهای اداری که در نتیجه آن افغانستان به ۲۸ ولایت تقسیم گردید. به طور خلاصه در این ده سال تحولات بی‌مانندی در عرصه‌های تعامل دولت و ملت اصلاح و نوسازی فرسوده گذشته به وجود آمد. تا جایی حقوق شهروندی، حقوق بشر، حقوق زنان مراعات می‌شد. در ادامه روند دموکراسی‌سازی در کشور، پس از تشکیل کابینه داکتر یوسف در سال ۱۳۴۲، در هفتم حمل سال ۴۳، شاه طی فرمانی یک هیأت هفت نفری را مأمور تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید نمود. پس از یک سال کار مداوم کمیته مذکور، مسوده قانون اساسی کشور تدوین و برای غور و مشورت بیش‌تر به کمیسیون مشورتی ۲۹ نفری که باز توسط شاه تعیین شده بودند، سپرده شده، با پایان کار این دو مجموعه و نشر متن قانون‌نامه مذکور، در تاریخ ۱۶ سنبله ۱۳۴۳، لویه‌جرگه قانون اساسی با اشتراک ۴۵۲ عضو و سخنرانی ظاهر شاه افتتاح گردید و به مدت ده روز قانون اساسی را در یازده فصل و ۱۲۸ ماده تصویب نمود و در تاریخ ۹ میزان ۱۳۴۳ توسط شاه توشیح گردید.<sup>۱</sup>

در دهه مشروطیت، دو انتخابات پارلمانی در افغانستان برگزار شد: نخست در سال ۱۳۴۴

۱. غلام‌محمد غبار، پیشین، جلد دوم، ص ۱۲۳.

در زمان انتقالی حکومتی داکتر یوسف که دوره دوازدهم شورا را به وجود آورد و دیگری در ماه سنبله ۱۳۴۸ و تحت صدارت نوراحمد اعتمادی که شورای سیزدهم را به وجود آورد. کشکی در کتاب دهه دموکراسی در این رابطه می‌نویسد: «به طور عام شورای اول نسبت به شورای دوم به شکل دموکراتیک‌تری انتخاب گردید. در انتخابات دوره محمدیوسف سعی حکومت در انتخابات شدن طرفدارانش بسیار محسوس نبود.»<sup>۱</sup> با نظر به گفته فوق، انتخابات مجلس دوازدهم، منصفانه‌ترین انتخابات و نقطه عطفی در تاریخ افغانستان بوده است و آقای فرهنگ هم این حرف را تأیید می‌کند: «این انتخابات آزادترین و منصفانه‌ترین انتخابات در تاریخ افغانستان بود؛ چنانچه این مطلب را علاوه بر عده‌ای بزرگ افغان‌ها، ناظران خارجی نیز تصدیق کرده‌اند.»

در انتخابات دوازدهم دوهزار نامزد برای احراز دوصد و شانزده کرسی ولسی جرگه به رقابت پرداختند. پیش از برگزاری انتخابات به مدتی سه ماه برای نامزدها فرصت نام‌نویسی و فعالیت مبارزه انتخاباتی داده شد که در فضای آزاد، خالی از خشونت و بدون دخالت دولت انجام گرفت. در این انتخابات، برای اولین بار به زنان حق شرکت و نامزد شدن در انتخابات داده شد و چهار زن به نام‌های رقیه حبیب و آناهیتا راتبزاد از کابل، خدیجه احراری از هرات و معصومه عصمتی از قندهار به وکالت ولسی جرگه انتخاب شدند؛ رقیه حبیب که نام دیگرش رقیه ابی‌بکر است، خواهر محمدصدیق فرهنگ و سید قاسم رشتیا<sup>۲</sup> بود و هر دو برادر و خواهر از حوزه کابل انتخاب شدند. از آنجایی که برادر این دو، سید قاسم رشتیا، در زمان انتخابات وزیر اقتصاد و مشاور نزدیک صدراعظم بود، متهم شد که از مقامش برای پیروزی برادر و خواهرش سوء استفاده کرده است. این مسائل سؤالاتی را در اذهان عامه برانگیخت. به اعتراف خود رشتیا، پس از اعلام نتایج، شخص شاه نیز در صحبت تلفنی با صدراعظم از این نتیجه اظهار نگرانی کرده بود؛ هرچند آقای رشتیا این اتهام را به شدت رد می‌کند. با همه خوبی‌هایی که این انتخابات داشت، کاستی‌هایی هم داشت: فقدان مشارکت احزاب سیاسی به صورت رسمی و گسترده، مشارکت نداشتن زنان به اندازه شعاع وجودشان و حضور نداشتن اقلیت‌های قومی و مذهبی به

۱. صباح‌الدین کشکی، دهه قانون اساسی، پيشاور، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰.

اندازه شعاع وجودشان.

با همه توانمندی و کاستی‌ای که داشت، خوب‌ترین انتخابات در تاریخ افغانستان بود؛ چون محافظه‌کاران، سرمایه‌داران، طرفداران پادشاه، لیبرال‌ها و روشنفکران چپ مسلمان و چپی‌ها در این شورا حضور داشتند. به صورت یک جمع‌بندی اعضای آن از سه دسته تشکیل می‌شد: (۱) گروهی که خواهان وضع حاکم بود و با هر تغییر جدی مخالفت داشتند؛ (۲) گروهی که در حدود قانون اساسی خواهان تغییرات عمده بودند؛ (۳) گروه چپی‌هایی که به دموکراسی عقیده چندانی نداشتند؛ ولی دموکراسی را وسیله مبارزه خود قرار داده بودند.

### سیزدهمین دور انتخابات شورای ملی

دوره سیزدهم یک دوره جنجالی بود. از آنجایی که مردم یک دوره طلایی در شورا را پشت سر گذرانیده بودند، به هیچ صورت حاضر نمی‌شدند که زیر بار بروند. انتخابات سیزدهمین و آخرین دوره شورای ملی و دومین انتخابات دهه دموکراسی در ماه سنبله سال ۱۳۴۸ با اشتراک ۲۰۲۰ نامزد برای احراز ۲۱۶ کرسی ولسی جرگه، تحت نظر حکومت نوراحمد اعتمادی برگزار شد و نتایج آن در ۲۳ سنبله اعلام گردید. از آنجایی که این انتخابات نیز مانند دوره قبل، در پرتو همان قانون اساسی و در فضای دهه دموکراسی برگزار گردید، اشتراکات و همانندی‌هایی بسیاری با انتخابات دوره قبل داشت؛ بنابراین، سرگذشت انتخابات دور دوازدهم که در فراز پیشین روایت شد، قسمت اعظم آن برای این دوره هم قابل تعمیم است؛ لذا به منظور پرهیز از تکرار و تداخل، تنها تفاوت‌های انتخابات این دوره با دوره قبل را یادآور می‌شویم:

۱- چنان‌که قبلاً گفتیم، به اعتقاد کشککی، انتخابات دوازدهم به شکل دموکراتیک‌تری نسبت به دور سیزدهم برگزار شد. نامبرده در جای دیگر چنین می‌گوید: «به مقایسه انتخابات ۱۳۴۴ش، در این انتخابات ۱۳۴۸ شواهد بیش‌تر مداخله حکومت و خاندان سلطنتی هر دو به مشاهده رسید.»<sup>۱</sup> فرهنگ هم در این ارتباط می‌نویسد: «برداشت شخصی من این است... که حکومت و قوه قضائیه به گونه مستقیم در رأی‌گیری مداخله نکردند، به طور غیر مستقیم

۱. حسین نایل، پیشین، ص ۱۰۶.

و ماهرانه اشخاص مطلوب‌شان را در برابر اشخاصی که نامطلوب شمرده می‌شدند، یاری می‌کردند و در تشخیص اشخاص مطلوب و نامطلوب هم بیش از همه نظر سردار داود مؤثر بود.<sup>۱</sup> بنابراین، دخالت غیر مستقیم حاکمیت در جریان انتخابات دوره سیزدهم، یکی از تفاوت‌های آن با دوره قبل بود.

۲- «بر خلاف دوره قبل، در انتخابات دوم دهه دموکراسی هیچ زنی به شورا راه نیافت».<sup>۲</sup>

۳- سطح دانش، معلومات و تجربه وکلای این دوره نسبت به دوره قبل پایین‌تر بود.

کشکی در این خصوص می‌گوید: «اعضای جدید هم‌چنان نسبت به اعضای دوره سابق سوپه کم‌تر علمی داشتند. یقیناً صرف هشت تن از وکلایی که در سال ۱۹۶۹ به عضویت ولسی‌جرگه انتخاب شدند، صاحب تعلیمات با تجربه در رشته حقوق بودند. اکثریت بزرگ ایشان صرف آشنایی ناچیز و سرسری در مورد روش‌های پارلمانی داشتند».<sup>۳</sup> دوره سیزدهم شورای ملی که محصول انتخابات مذکور بود، تا اوایل تابستان سال ۱۳۵۲ مشغول به کار بود. در ۲۶ سرطان سال مذکور، با کودتای نظامی سردار داود و براندازی نظام پادشاهی، عمر دهه دموکراسی و آخرین شورای ملی افغانستان هم به سر رسید. پس از آن در سایه حکومت‌های جمهوری داود، جمهوری دموکراتیک خلق، دولت اسلامی مجاهدین، امارت اسلامی طالبان و دولت انتقالی، به مدت ۳۲ سال افغانستان فاقد شورای ملی و انتخابات آزاد، عمومی و مستقیم بوده است.

## انتخابات لویه‌جرگه اضطراری

لویه‌جرگه اضطراری در ۱۸ ثور ۱۳۸۱ برای انجام وظیفه مهم انتخابات رئیس دولت، تعیین ساختار دولت انتقالی و توافق روی اعضای کلیدی دولت برگزار گردید. حکومت موقت با همکاری سازمان ملل، کمیسیون مستقل خاص تدویر لویه‌جرگه اضطراری را متشکل از ۲۱ نفر

۱. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۸۶، ص ۷۶۱.

۲. همان مدرک، ص ۷۶۱.

۳. صباح‌الدین کشکی، پیشین، ص ۱۰۴.



که بیانگر ترکیب اقوام بود، به وجود آورد. این کمیسیون به منظور تسهیل جریان انتخابات، ۸ مرکز و حوزه انتخاباتی که هرکدام دارای چندین ولایت بود، در سطح کشور و در شهرهای ذیل ایجاد کردند: کابل، هرات، قندهار، جلال‌آباد، بامیان، قندوز، گردیز و مزارشریف. ایجاد هشت حوزه انتخاباتی امکان خوبی برای شرکت و وسیع مردم در انتخابات میسر ساخت؛ مردم توانستند نمایندگان دلخواه خود را انتخاب نمایند. بر خلاف لویه‌جرگه‌های گذشته، معیار انتخاب وکلا، میزان نفوس و واحدهای اداری قرار داده شده بود. این شاهکاری بود که در تاریخ افغانستان برای اولین بار اتفاق افتاد و به ملت افغانستان نوید دموکراسی و عدالت اجتماعی را داد. تمامی اقوام توانستند به حد قابل قبول در این لویه‌جرگه نماینده بفرستند.

بر اساس موافقت‌نامه بن، انتخابات زیر نظر نمایندگان سازمان ملل، در دو مرحله برگزار شد. طبق فیصله کمیسیون مستقل خاص تدویر لویه‌جرگه اضطراری، در مرحله اول در ولسوالی‌ها انتخابات برگزار شد و نمایندگان مردم از ولسوالی‌ها به مرکز حوزه انتخاباتی آمدند و مرحله دوم انتخابات را برگزار نموده و از بین خودشان نمایندگان لویه‌جرگه را انتخاب کردند<sup>۱</sup> که این مطلب در ماده هشتم طرزالعمل آمده است: اعضای لویه‌جرگه اضطراری طی دو مرحله به ترتیب آتی به صورت غیر مستقیم انتخاب می‌شوند: طی مرحله اول در هر واحد انتخاباتی با تفاهم هسته نظارت مرکزی ساحوی، به تعداد بیست الی شصت نفر از طرف اهالی همان واحد انتخاباتی به شکل عنعنوی تعیین و به هیأت نظارت واحد انتخاباتی معرفی می‌گردند. در مرحله دوم اشخاص معرفی شده از طرف اهالی، اعضای لویه‌جرگه اضطراری را مطابق جدول سهمیه در محل تعیین شده (مرکز واحد انتخاباتی) با رعایت ماده هفتم، از میان کاندیدان به شکل آزاد و سری مستقیماً انتخاب می‌نمایند.

## انتخابات لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی

لویه‌جرگه اضطراری و لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی شدیداً به هم مرتبط اند، هم از لحاظ اهداف و هم از لحاظ مکانیزم انتخابات. لویه‌جرگه اضطراری یک گام بسیار مهم مقدماتی

۱. مرکز تحقیقات اجتماعی، روند انتخابات لویه‌جرگه، جلد دوم، کابل، انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۱۳۸۳، ص ۱۵.



جهت به ثمررسانیدن پروسه صلح بود و زمینه لویه جرگه تصویب قانون اساسی را فراهم ساخت. لویه جرگه تصویب قانون اساسی بر عکس لویه جرگه اضطراری، انتخابات مرحله اول را در ولسوالی‌ها برگزار نکرد؛ بلکه همان نمایندگان ولسوالی‌ها که در سال گذشته توسط مردم انتخاب شده بودند، به مرکز حوزه ساحوی آمده، نماینده خود را انتخاب کردند. تعداد نمایندگان در این لویه جرگه از ۱۵۰۰ نفر به ۵۰۰ نفر کاهش یافت و نمایندگان انتصابی از یک سوم کل نمایندگان در سال ۱۳۸۱، به یک دهم در این لویه جرگه تنزل یافت.

در رابطه با انتخابات در بین اعضای دارالانشاء دو نظر وجود داشت: یک دسته می‌گفتند انتخابات از اول صورت بگیرد و مردم آزادانه نمایندگان خود را انتخاب نموده، به لویه جرگه تصویب قانون اساسی روانه کنند. دلیل آن‌ها این بود که انتخابات لویه جرگه اضطراری عادلانه نبوده؛ چون در زیر سایه اسلحه، مردم نمایندگان‌شان را انتخاب نموده بودند و آن‌ها از مردم نمایندگی نمی‌توانند. دسته دوم نظرشان این بود که انتخابات از اول صورت نگیرد و اعضای لویه جرگه تصویب قانون اساسی از مابین نمایندگان مرحله اول لویه جرگه اضطراری انتخاب گردند. دلیل آن‌ها این بود که باز هم همان جریان اول، نمایندگان خود را بر مردم تحمیل می‌کند؛ چون حالا هم همان تفنگ‌سالاران حاکم اند؛ پس چرا ما پول مردم را بیهوده مصرف

کنیم؟ به همین خاطر مسئولین نظر دوم را قبول کردند. **پیشینه**

تأسیس ۱۳۹۴

## انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۳

انتخابات ریاست جمهوری به تاریخ ۱۸ میزان در ۴،۹۰۰ مرکز رأی‌گیری با ۲۲،۰۰۰ محل رأی‌گیری در تمام ولایات ۳۴ گانه افغانستان برگزار گردید و مردم خسته از جنگ با تمام شوق در انتخابات فعالانه شرکت نمودند و با امیدواری تمام تلاش کردند که زعیم ملی خویش را انتخاب نمایند؛ به همین دلیل، بزرگ‌ترین عملیات رأی‌گیری خارج از کشور اجرا گردیده، ۲،۸۰۰ محل رأی‌گیری برای مهاجرین افغانستان در ایران و پاکستان ایجاد شد که در نوع خود شاهکار بود.

۱. محمد امین مجاهد، عضو دارالانشاء لویه جرگه تصویب قانون اساسی در مصاحبه با محققان مؤسسه تحقیقات اجتماعی.

در این انتخابات، ۱+۵۰ را حامد کرزی از آن خود نمود و کاندید اول و برنده انتخابات اعلام شد و همین طور قانونی نفر دوم و استاد محقق نفر سوم رأی به دست آوردند و انتخابات بدون جنجال و کشمکش خاتمه پیدا کرد و افغانستان برای بار اول نظام انتخاباتی را از طریق دادن رأی تجربه نمود و در واقع انتقال قدرت توسط رأی به صورت مسالمت‌آمیز صورت گرفت و این انتخابات به خاطر مردمی‌بودنش، تأثیر مثبت روی امنیت، اقتصاد و فرهنگ مردم داشت و در همین دوره بود که ملت افغانستان از کشورهای مختلف رو به وطن نموده، کم کم داشت به مهاجرت خاتمه می‌دادند که این روند دیر ادامه نداشت و دشمنان این سرزمین، جنگ‌های ناخواسته را به ملت افغانستان تحمیل نمودند و بار دیگر مردم را مهاجر ساختند.

### چهاردهمین دور انتخابات شورای ملی

انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی افغانستان همزمان بیست و هفتم سنبله ۱۳۸۴ خورشیدی برگزار گردید که بعد از سی سال، اولین انتخابات شورا محسوب می‌شد. مردم افغانستان که سه دهه درگیر جنگ و بی‌ثباتی و مورد تهاجم قرار داشتند، از برگزاری انتخابات آزاد محروم مانده بودند، از انتخابات استقبال بی‌نظیر کردند و در پای صندوق‌های رأی حاضر شدند و با تمام احساسات، نمایندگان دل‌خواه خود را انتخاب نمودند و در پارلمان و شوراهای ولایتی روانه کردند.

پارلمان افغانستان متشکل از دو مجلس نمایندگان، ولسی جرگه و مشرانو جرگه، با ۳۵۱ عضو می‌باشد. ولسی جرگه داری ۲۴۹ کرسی و مشرانو جرگه داری ۱۰۲ کرسی است. در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی مبارزه بر سر تصاحب کرسی‌ها بود؛ افراد مختلف با تعلقات و وابستگی‌های گوناگون فکری، اجتماعی، حزبی، سیاسی و قومی، مشارکت کردند و به رقابت سالم پرداختند. نقطه شگفت‌آور و امیدوارکننده این رقابت در رویارویی دشمنان و دوستان نهفته بود. اعضای احزاب جهادی با اعضای حزب دموکراتیک خلق که یک و نیم دهه در جنگ بودند، به آرامی در انتخابات شرکت کردند و رأی آوردند.

عضویت و وابستگی گذشته افراد به تنظیم‌ها هیچ‌گونه مانعی در رهاافتن به پارلمان از طریق

مبارزه انتخاباتی محسوب نمی‌شد؛ چون در قانون آمده بود «بدون صدور حکم محکمه برای هر نوع جرم و جنایت ملی نمی‌توان فردی را با اتهام و ادعا از کاندیدشدن و مشارکت در مبارزات انتخاباتی محروم کرد». این ماده‌ای از قانون راه را برای ورود افراد و عناصر مختلف از گروه‌های گوناگون متخاصم فکری و سیاسی هموار کرد و پس از تعطیلی زیاد شورای ملی روز ۲۷ قوس با تفاوت‌های زیادی با شورای سابق آغاز به کار نمود.

**هیأت اداری شورا:** رئیس برای یک دوره کاری (پنج ساله) انتخاب می‌شود و در اولین شورا، پس از سی سال جنگ، محمدیونس قانونی ریاست مجلس را به عهده دارد؛ معاونان و منشیان شورای ملی هر سال یک‌بار انتخاب می‌شوند و در شروع کار میرویس یاسینی نایب اول؛ امان‌الله پیمان نایب دوم؛ محمدصالح سلجوقی منشی و عبدالستار خواصی نایب منشی شدند. شورای ملی ظرف پنج سال علی‌رغم انتقادهایی که مطرح شده، کارهای زیادی در زمینه قانون‌گذاری و هم در عرصه نظارت انجام داده است. بررسی صلاحیت‌های نخستین کابینه حکومت منتخب در زمستان ۱۳۸۴ از نخستین کارهای مهم شورا بود و پس از آن، چندین وزیر را استیضاح کرد و رد صلاحیت ۱۷ وزیر پیشنهادی حکومت در دوازدهم جدی از سوی شورا برای بسیاری‌ها غیر منتظره بود؛ چون شماری از آنان افراد با نفوذ و قدرتمندی شمرده می‌شدند؛ توجه بسیاری را به صلاحیت‌ها و نقش مجلس در زمینه‌های سیاسی و نظارتی مجلس جلب کرد.

### پانزدهمین دور انتخابات شورای ملی

پانزدهمین دور انتخابات شورای ملی ۲۷ سنبله ۱۳۸۹ در یک فضای به شدت رقابتی برگزار شد. ملت نجیب افغانستان با تمام تهدیدهای تروریست‌ها، پای صندوق‌های رأی رفته، نمایندگان خویش را با رأی خود انتخاب کردند؛ با آن هم حضور و اشتراک مردم در انتخابات به وضعیت امنیتی در ۳۴ ولایت وابسته بود؛ به همین منوال اشتراک مردم در انتخابات متفاوت بود. مناطقی که پایین‌ترین میزان مشارکت را تجربه نمودند، ناامن‌ترین مناطق در جنوب و جنوب شرق کشور بودند. مراکز ولسوالی‌ها و ولایت‌ها در جاهایی که نیروهای امنیتی بیش‌تری

مستقر شده بودند، نسبت به روستاهایی که مخالفین مسلح حملات را سازمان‌دهی و اجرا کردند، پایین بود. بیش‌ترین حضور مردم در انتخابات در مناطق مرکزی افغانستان و ولایت‌های امن بوده است.

شورای ملی در یک ماه برای تعیین رئیس چهاربار رأی‌گیری کرد؛ اما هیچ‌کسی موفق نشد به ریاست مجلس دست یابد. سرانجام نمایندگان ۸ حوت ۱۳۸۹ در جلسه توافق کردند که برای پایان‌دادن به کشمکش‌های قومی، نمایندگان مردم از یک - قومی که تنها ۱۹ کرسی در ولسی‌جرگه دارند - با هم نیم ساعت جلسه کنند و یک تن را برای ریاست مجلس معرفی نمایند. نمایندگان قوم ازبک پس از جلسه نیم ساعته، آقای ابراهیمی را برای ریاست مجلس پیشنهاد کردند. همزمان با معرفی آقای ابراهیمی، رأی‌گیری آغاز شد. خداداد عرفانی، رئیس موقت مجلس اعلام کرد چهار تن رأی مخالف دارند و بقیه رأی موافق دادند که با اکثریت آرا رئیس مجلس انتخاب شد؛ به این ترتیب، آقای عبدالرئوف ابراهیمی کرسی ریاست پارلمان را برای پنج سال به دست آورد.

## انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی همزمان به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۸۸ در سی و چهار ولایت برگزار گردید و مردم عاشقانه رأی خود را به کاندیدان دل‌خواه خود آزادانه و سری به صندوق‌ها ریختند و از مابین کاندیدان ریاست جمهوری، سه کاندید پیش‌تاز اعلام شدند. حامد کرزی ۲،۲۸۳،۹۰۷، داکتر عبدالله ۱،۴۰۶،۲۴۲، داکتر بشردوست ۴۸۱،۰۷۲. در اول حامد کرزی به عنوان برنده انتخابات از طرف کمیسیون مستقل انتخابات اعلام شد. بر اساس آمار اعلام‌شده، حامد کرزی ۵۵ درصد کل آراء را از آن خود کرده بود و نتایج را رقیب انتخاباتی حامد کرزی (عبدالله) قبول نکرد و او را متهم به تقلب نمود.

پس از دو ماه بررسی ادعاهای تقلب در دور اول انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی بخشی از آرای انتخابات را باطل اعلام کرد. به این اساس، آرای کرزی که در نتایج ابتدایی حدود پنجاه و پنج درصد بود، زیر پنجاه درصد رفت.

دور اول انتخابات به دليل تقلب، به پیروزی هیچ‌یک از نامزدهای انتخابات منجر نشد و انتخابات میان دو نامزد پیش‌تاز- عبدالله و کرزی- به دور دوم رفت. در این دو ماه، دیدارهای زیادی از شخصیت‌ها در کابل صورت گرفته تا به روند جنجال‌برانگیز انتخابات این کشور، در مطابقت با قوانین افغانستان پایان داده شود.

با همه آمادگی‌ای که مردم به دور دوم انتخابات گرفته بودند، عبدالله انصراف خود را از شرکت در دور دوم انتخابات اعلام کرد. عزیزالله لودین، رئیس کمیسیون انتخابات افغانستان، یک روز بعد از انصراف عبدالله، حامد کرزی را برنده انتخابات اعلام نموده گفت: ما به چند دليل حامد کرزی را برنده اعلام می‌کنیم: (۱) اکثریت آرا را در دور اول انتخابات به دست آورده؛ (۲) مردم افغانستان را از انتظار طولانی برای تعیین رئیس جمهوری بیرون می‌کشد؛ (۳) تنها نامزد برای دور دوم انتخابات است؛ (۴) خطر حوادث ناگوار امنیتی را در روز انتخابات از بین می‌برد.

## انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی

سومین انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان برای انتخاب رئیس‌جمهور و معاون اول و دوم، همزمان با انتخابات شوراهای ولایتی در تاریخ ۱۶ حمل ۱۳۹۳ در سراسر افغانستان برگزار شد که از میان ۸ نامزد، عبدالله با معاونین بخود ۴۵٪، غنی با معاونین خود ۳۲٪ رأی آوردند که هیچ‌کدام ۵۰+۱ به دست آورده نتوانستند؛ به همین دلیل<sup>۳۹</sup>، انتخابات به دور دوم رفت. از ۷ میلیون شرکت‌کننده، حدود ۶۴ درصد رأی‌دهندگان مرد و ۳۶ درصد زن بودند. رئیس کمیسیون مستقل انتخابات با یک روز تأخیر، ۲۵ ثور، اعلام نمود که هیچ‌یک از نامزدان اکثریت آرا، ۵۰+۱، را مطابق به قانون اساسی و قانون انتخابات پوره نکرده و انتخابات به دور دوم می‌رود. نورستانی دلیل تأخیر اعلام نتایج را نرسیدن فیصله کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی عنوان نمود.

## دور دوم انتخابات

به اساس تقویم انتخاباتی، دور دوم از سوی کمیسیون مستقل انتخابات اعلام گردید؛ از تاریخ ۲۶ ثور الی اول جوزا انتقال مواد به دفاتر ولایتی و از تاریخ ۴ الی ۲۳ جوزا انتقال مواد



به مرکز ولسوالی‌ها صورت می‌گیرد. مبارزات انتخاباتی نامزدان برای دور دوم به تاریخ اول جوزا آغاز و به تاریخ ۲۱ جوزا خاتمه می‌یابد و انتخابات دور دوم به تاریخ ۲۴ جوزا برگزار می‌گردد. به اساس این تقویم، اعلام نتایج ابتدایی دور دوم به تاریخ ۱۱ سرطان و اعلام نتایج نهایی به تاریخ ۳۱ سرطان، بعد از رسیدگی شکایات انتخاباتی از سوی کمیسیون شکایات از تاریخ ۱۴ الی ۲۴ سرطان و فرستادن فیصله‌های‌شان به تاریخ ۲۵ سرطان به کمیسیون مستقل انتخابات صورت می‌گیرد.

کمیسیون به چند دلیل نتوانست انتخابات را سر موعود برگزار نماید: (۱) به دلیل حریق شدن یک تعداد از مواد اساسی انتخاباتی در اثر حملات راکتی طالبان نتوانست دو هفته بعد از اعلام لیست نهایی انتخابات دور دوم را برگزار کند؛ به همین دلایل، انتخابات دور دوم با تأخیر، به تاریخ ۲۴، جوزا برگزار گردید؛ (۲) رئیس کمیسیون مستقل انتخابات گفت: در حدود ۳۰۰۰ کارمندان آن‌ها که تقلب نموده‌اند، دیگر چانس کار در نهادهای انتخاباتی را ندارند و این افراد مشخص شده‌اند و به نهادهای عدلی و قضایی نیز معرفی می‌شوند و به عوض این تعداد، ۳۰۰۰ کارمند جدید استخدام و آموزش داده می‌شوند.

در دور دوم، بسیاری از مقامات و کاندیدان انتخاباتی از عبدالله حمایت کردند؛ انتخابات در ۲۴ سرطان برگزار شد. نقش اقوام در انتخابات بسیار مؤثر و مشهود بود. دور دوم یک میلیون بیش از دور نخست در انتخابات شرکت کرده بودند. در میانه شمارش آرا، رأی غنی از عبدالله پیش بود. عبدالله با اعلام تقلب و درخواست مداخله سازمان ملل، ارتباط خود با کمیسیون مستقل انتخابات را قطع کرد. پس از اعلام نتیجه ابتدایی و پیروزی غنی با اختلاف ۱۳٪، عبدالله نتیجه انتخابات را نپذیرفت و خود را پیروز قطعی انتخابات خواند و اعلام کرد زیر بار تقلب نخواهد رفت. سازمان ملل خواسته بود که رأی‌های تقلبی از رأی‌های پاک جدا شوند. رئیس کمیسیون انتخابات نیز تقلب را تأیید کرد و گفت که رأی‌های تقلبی را جدا خواهند کرد.

با پادرمیانی جان کری، وزیر خارجه آمریکا، قرار شد رأی‌ها با هماهنگی دو ستاد بازشماری شوند و رأی‌های ناپاک جدا شوند و توافق بر تقسیم قدرت شد. در میانه بازشماری، روند



اختلاف‌ها بالا گرفت. غنی از تقسیم قدرت در صورت پیروزی سرباز زد و ستاد عبدالله از روند بازشماری رأی‌ها کناره گرفت. سرانجام با پادرمیانی سران جهادی به تاریخ ۳۰ سنبله ۱۳۹۳، عبدالله و غنی توافق‌نامه‌ای امضا کردند که غنی رئیس‌جمهور و عبدالله رئیس‌اجرای و دو سال بعد لویه‌جرگه تشکیل جلسه داده، در قانون اساسی سمت نخست‌وزیری افزوده شود و رئیس‌اجرای نخست‌وزیر گردد. پست‌های دولتی نیم‌نیم میان دو تیم تقسیم گردد؛ به همین دلیل، رأی‌نهایی نامزدان اعلام نشد.

## جمع‌بندی

آنچه که در این نوشته تحلیل و بررسی شده است، انتخابات را از آغاز تا به حال در این سرزمین بر سه بخش قسمت نموده است: دوره اول ۱۷ سال صدارت هاشم خان است که در این دوره انتخابات فرمایشی بوده، نمایندگان به صلاح‌دید حکومت عضو شورا می‌شده است و از حکم حاکمیت سرپیچی نمی‌کرده است و هر آنچه که حکومت می‌گفت، همان را شورا عمل می‌کرد و هیچ‌گونه نقد و نظارت بر عملکرد حکومت نداشت و در واقع شورا یک نهاد فرمایشی بود که حاکمیت آن را به مردم افغانستان و جهان نشان می‌داد که در افغانستان تفکیک قوا صورت گرفته است و این حکومت شاهی مشروطه است، نه مطلقه؛ در حالی که این طور نبود و شورا هیچ‌گونه از صلاحیت و جایگاه خود استفاده نمی‌توانست و اعضای شورا از خود اختیار نداشتند.

دور دوم انتخابات شروع صدارت شاه محمود خان و دوره دهه دموکراسی است که در این دوره انتخابات تا جایی مردمی شده است و مردم است که با استفاده از قانون انتخابات، نمایندگان خود را انتخاب نموده در شورا روانه می‌کنند و در واقع همین دوره است که تفکیک قوا به وجود آمده است و آزادی سیاسی، آزادی بیان، آزادی انتخاب تحقق پیدا کرده است و در سایه آزادی قانونی، احزاب، نهادهای مدنی و نشرات به فعالیت‌های خود شروع می‌کنند و شخصیت‌های بزرگ و روشنفکر از سراسر افغانستان در شورا راه پیدا می‌کنند و مبارزات خویش را از همان‌جا آغاز می‌نمایند که بسیاری از پیشرفت‌های فرهنگی، سیاسی و حتی

اقتصادی، در همین سال‌ها به وجود می‌آید و ملت نجیب افغانستان دست‌رسی به یک‌سری آگاهی‌ها پیدا می‌کنند.

دوره سوم انتخابات پس از گذراندن یک دوره طولانی جنگ و نزاع در این سرزمین می‌باشد و در این دوره انتخابات ماجراهای بزرگی را پشت سر گذرانده است و در سال‌های اول این دوره، انتخابات به آرامی گذشت و انتقال قدرت اولین بار از طریق انتخابات صورت گرفت؛ ولی این روش دیر دوام نکرد و دوره‌های بعد ماجراهای زیادی به وجود آمد که در مبارزات انتخاباتی، تیم‌ها همدیگر را به تقلب متهم نمودند و انتخابات را به چالش کشیدند و به آرای مردم احترام نگذاشتند و انتخابات را به دور دوم کشاندند؛ با آن هم بسنده نکردند؛ ماجرا را به یک توافق خاتمه دادند و باید گفت در تمام این سه دوره انتخاباتی، انتخابات بر مبنای سه عنصر قومی، مذهبی و سیاسی شکل می‌گرفته. عنصر اصلی وابستگی قومی بوده تا مذهبی و سیاسی.

## منابع

۱. نایل، حسین، سرزمین و رجال هزاره‌جات، ایران، مرکز نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۹.
۲. دایره المعارف آریانا، بخش ش، چاپ کابل.
۳. روند انتخابات لویه‌جرگه، مرکز تحقیقات اجتماعی، مکان چاپ کابل، انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
۴. کشکی، صباح‌الدین، دهه قانون اساسی، پیشاور، ۱۳۷۵.
۵. مهربان، عبدالله، تاریخ جرگه‌های ملی، کابل، چاپ افغانستان مطبوعه دولتی، ۱۳۶۴.
۶. آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. غبار، غلام‌محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، آمریکا، جون ۱۹۹۹، چاپ اول.
۸. غبار، غلام‌محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، تهران، ۱۳۹۰.
۹. غبار، غلام‌محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، امریکن سپیدی هرندی، ویرجینیا، جون ۱۹۹۹.
۱۰. مجاهد، محمدامین، عضو دارالانشاء لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی در مصاحبه با محققان مؤسسه تحقیقات اجتماعی.
۱۱. فیض‌زاده، محمدعلم، جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان، پیشاور، ۱۳۶۹.

۱۲. صابر هروی، محمدمحسن، آینه شورا، جلد اول، کابل، ۱۳۸۶.

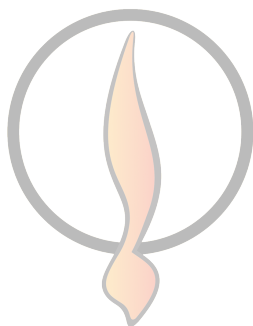
۱۳. نسیمی، محمدیاسین، روابط پارلمان با حکومت‌های افغانستان در دهه دموکراسی، کابل، ۱۳۸۵.

۱۴. مرکز تحقیقات اجتماعی، روند انتخابات لویه‌جرگه، جلد دوم، کابل، انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۱۳۸۳.

۱۵. فرهنگ، میر محمدصدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، ۱۳۸۶.

۱۶. فرهنگ، میر محمدصدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، تهران، ۱۳۸۵.

۱۷. فرهنگ، میر محمدصدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۸۶.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴